

www.Ketab.ir



سرشناسه	: فیاضی، غلامرضا، ۱۳۲۸ -
عنوان قراردادی	: بدایةالحکمة. فارسی. شرح.
عنوان و نام پدیدآور	: تقریر درس های بدایةالحکمة استاد فیاض / جمال بروش.
مشخصات نشر	: قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات ...، ۱۳۶۰.
مشخصات ظاهری	: ج. ۱
فروست	: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۴۰۷، صفحه: ۲۱۹.
شابک	: ج. ۱: ۸-۱۷۲-۴۴۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیاضی.
یادداشت	: کتاب حاضر شرحی بر کتاب « بدایةالحکمة » تألیف محمدحسین ... است که توسط استاد فیاضی تدریس شده است.
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۶۱-۱۳۶۰. بدایةالحکمة -- نقد و تفسیر.
موضوع	: فلسفه اسلامی.
موضوع	: Islamic philosophy
شناسه افزوده	: سروش، جمال، ۱۳۵۱ -
شناسه افزوده	: طباطبائی، محمدحسین، ۱۲۶۱-۱۳۶۰. بدایةالحکمة. شرح.
شناسه افزوده	: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). انتشارات.
رده بندی کنگره	: ۹ف۴۰۳/ب۱۳۹۲BBR
رده بندی دیویی	: ۱/۱۸۹
شماره کتاب شناسی ملی	: ۵۳۰۹۶۲۱

تقریر درس‌های

مبانی حکمت

امین‌الله حسینی

جلد اول

جمال سروش

عضو هیأت علمی دانشگاه ملایر

با نظارت علمی: دکتر حسن یوسفیان

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
(فائز به جایزه)

۱۳۹۷



۱۴۰۷

شماره ردیف

فلسفه - ۲۱۹

شماره موضوعی

۱۳۹۷-۲۷

■ تقریر درس‌های بدایة الحکمة، جلد اول

- مؤلف: غلامرضا فیاضی به تقریر جمال سروش
- ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- چاپ: نگارش
- نوبت و تاریخ چاپ: اول، پاییز ۹۷
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

- دفتر مرکزی: قم، خیابان شهدا، کوی ممتاز، پلاک ۳۸
- تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۳۲۶
- شعبه تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و شهید منیرى جاوید، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، واحد ۱۱۲
- تلفن و نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۱۲۱
- شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۶۲۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۱۷۲-۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۳۵	 مقدمهٔ معاون پژوهش
۳۹	 مقدمه
۳۹	 سیر فلسفه در غرب و شرق
۴۲	 زندگی‌نامه علامه طباطبائی
۴۵	 مختصری از حیات علمی استاد
۴۷	 برخی آثار معظم له
۴۷	 کتب
۴۸	 مقالات
۴۸	 برخی مسئولیت‌های معظم له
۴۸	 سیر مطالعاتی فلسفهٔ اسلامی
۴۹	 کتاب بدایة الحکمة
۵۰	 توضیحی دربارهٔ شرح حاضر

درس اول

۵۲	 پیشگفتار
۵۲	 مقدمه
۵۳	 ۱. اصطلاحات فلسفه
۵۳	 الف) مجموعهٔ معارف

- اول. فلسفه نظری ۵۳
- یک. وجه تسمیة فلسفه اولی یا فلسفه الهی ۵۴
- دو. وجه تسمیة فلسفه اُخری ۵۵
- سه. وجه تسمیة فلسفه وسطا ۵۵
- دوم. فلسفه عملی ۵۶
- یک. فلسفه اخلاق ۵۶
- دو. تدبیر منزل ۵۶
- سه. سیاست بدن ۵۶
- نکته پایانی ۵۶
- ب) فلسفه اولی ۵۷
- اول. تکامل و رشد علوم ۵۷
- دوم. فلسفه به معنای الهیات ۵۸
- سوم. مراد از فلسفه در این کتاب ۵۹
- چهارم. روش فلسفه اولی ۵۹
- پنجم. بی‌فایده‌گی روش تجربی در فلسفه اولی ۵۹
- ششم. نفی تقابل علم و فلسفه ۶۰
- هفتم. اهمیت فلسفه اولی ۶۰
- ج) فلسفه علوم یا فلسفه علمی خاص ۶۱
- د) فلسفه احکام ۶۱
۲. اصطلاح مورد بحث ۶۲
۳. تعریف فلسفه ۶۲
۴. موضوع فلسفه ۶۳
۵. غایت فلسفه ۶۳
- الف) مقدمه ۶۳

۶۴ اول: امور اعتباری

۶۵ دوم: امور وهمی

۶۶ (هدف و غایت فلسفه

۶۷ پیق

درس دوم

مرحله اول: کلیات مباحث وجود

فصل اول: بداهت مفهوم وجود

۷۲ مقدمه اول: اشیا ماهیه و قضایا

۷۲ مقدمه دوم: استنتاج نظری، بداهت همه مفاهیم

۷۳ بیان مسئله

۷۴ دلیل مسئله

۷۴ دلیل اول

۷۴ دلیل دوم

۷۵ اشکال مسئله

۷۵ دفع اشکال

۷۶ تطبیق

فصل دوم: اشتراک معنوی وجود

۸۰ طرح مسئله

۸۰ مقدمه اول: توضیح اشتراک معنوی

۸۰ مقدمه دوم: توضیح اشتراک لفظی

۸۱ اقوال در مسئله

۸۲ قول اول

۸۲ قول دوم

۸۲ قول سوم

۸۳.....	قول حق
۸۳.....	دلیل اول
۸۴.....	دلیل دوم
۸۵.....	دلیل سوم
۸۶.....	تطبیق

درس سوم

۹۱.....	معنای وجو (اشتراک لفظی یا معنوی)
۹۲.....	قول دوم (قول برخی از اشاعره و معتزله)
۹۲.....	قول سوم (قول قاضی سعدی)
۹۳.....	سلبی بودن همه صفات قاضی
۹۳.....	منشأ شبهة قاضی
۹۳.....	دلیل دو قول اخیر
۹۴.....	پاسخ حلی (وجوب سنخیت)
۹۴.....	پاسخ نقضی (انکار خدا یا تعطیلی عقل)
۹۶.....	تطبیق

فصل سوم: زیادت وجود بر ماهیت

۹۹.....	مفهوم وجود
۱۰۰.....	مفهوم ماهیت
۱۰۱.....	اتحاد یا تغایر مفهوم وجود و ماهیت (طرح بحث)
۱۰۱.....	نظر اشاعره
۱۰۲.....	نظر فلاسفه
۱۰۲.....	ادله فلاسفه
۱۰۲.....	دلیل اول: صحت سلب
۱۰۳.....	دلیل دوم: نیاز وجود به دلیل

دلیل سوم: استوای ماهیت نسبت به وجود و عدم ۱۰۳

تطبیق ۱۰۳

درس چهارم

فصل چهارم: در اصالت وجود و اعتباریت ماهیت

انتقال از مفهوم وجود به واقع آن ۱۰۸

خار ماهه‌های انکار واقع ۱۰۹

۱. ماهیت اصل هستی ۱۰۹

۲. انتزاع از مفهوم انکار واقعیت ۱۰۹

۱. اصالت هر ۱۱۰

۲. اعتباری بودن هر دو ۱۱۱

۳. اصالت وجود ۱۱۱

۴. اصالت ماهیت ۱۱۲

مشاء و اشراق؛ قایلان به احتمال سوم و چهارم ۱۱۳

شبهه اصالت ماهوی‌ها ۱۱۳

ادله قول به اصالت وجود ۱۱۳

دلیل نخست ۱۱۴

پاسخ معتقدان به اصالت ماهیت ۱۱۵

رد جواب ۱۱۵

دلیل دوم ۱۱۶

تطبیق ۱۱۶

درس پنجم

خلاصه مباحث گذشته ۱۲۶

دلیل سوم ۱۲۷

دلیل چهارم ۱۲۸

دلیل اصالت ماهیت ۱۳۰

رد دلیل ۱۳۱

قول سوم ۱۳۲

رد قول سوم ۱۳۳

فی ۱۳۳

فصل پنجم: تشکیک وجود

۱۴۰	 طرح بحث
۱۴۰	 قول نخست (فهمیون)
۱۴۱	 تنظیر به نور
۱۴۲	 تنظیر به حرکت
۱۴۲	 توضیح قول اول
۱۴۳	 تطبیق

درس ششم

۱۴۸ خلاصه و مقدمه

۱۴۸ متواپی نبودن وجود

۱۴۸ تباین یا تشکیک؟

۱۴۹ تشکیک (حد وسط تواپی و تباین)

۱۴۹ تشکیک در نور

۱۵۰ تشکیک در حرکت

۱۵۰ کثرت طولی نور

۱۵۱ کثرت عرضی نور

۱۵۲ تشکیک در وجود

۱۵۲ کثرت طولی وجود

۱۵۲ نفی ترکیب در ذاتی و عرضی وجود

۱۵۳	طرفین کثرت طولی وجود
۱۵۳	توضیح و اثبات ماده اولی
۱۵۵	کثرت عرضی وجود
۱۵۶	دوم (مشائین)
۱۵۶	انواع تباین در ماهیات
۱۵۶	تباین بد تمامیات (در مقولات)
۱۵۷	تباین جزء ذات
۱۵۷	تباین در ارج ذات
۱۵۷	مدعای مشاء
۱۵۸	دلیل بر جزء اول مدعا
۱۵۸	دلیل بر جزء دوم مدعا
۱۵۸	نقد دلیل مشاء
۱۵۹	تطبیق
۱۶۰	نکته

درس هفتم

۱۶۸	خلاصه و مقدمه
۱۶۸	دلیل حقیقت واحده بودن وجود (جزء اول مدعا)
۱۶۸	بیان دلالت
۱۶۹	بیان اول
۱۶۹	تمهید
۱۶۹	بیان استحاله
۱۷۰	بیان دوم
۱۷۲	دلیل تشکیک (جزء دوم مدعا)
۱۷۲	تطبیق

فصل ششم: وجوه تخصص وجود

۱۷۷وجه اول

۱۷۸وجه دوم

۱۷۹وجه سوم

۱۷۹اشكاله الخلو بودن وجوه

۱۷۹اشكاله قاعده

۱۸۰محذور نخست (در)

۱۸۱محذور دوم (تسلسل)

۱۸۱خلاصه دو محذور

۱۸۱دفع اشكال

۱۸۲تطبيق

۱۸۴نقد این وجه

درس هشتم

۱۸۸ خلاصه و مقدمه

۱۸۸ نحوه عروض وجود بر ماهیت

۱۸۸ عروض مقولی

۱۸۹ مثال اول (رنگ)

۱۸۹ مثال دوم (شکل)

۱۹۰ مقولی نبودن عروض وجود بر ماهیت

۱۹۰ معنای قضیه انسان موجود

۱۹۲ راه حل های غیر صحیح

۱۹۲ راه حل اول (تخصیص)

۱۹۲ رد راه حل اول (تخصیص ناپذیری حکم عقل)

۱۹۳ راه حل دوم (استلزام نه فرعیت)

۱۹۴	رد راهحل دوم (پاک کردن صورت مسئله)
۱۹۴	راهحل سوم (نفی وجود)
۱۹۵	تایسۀ قول سوم با قول صحیح
۱۹۶	راهحل چهارم
۱۹۶	تمهید
۱۹۶	نوع حصول حصه
۱۹۷	عدم دخول قید در حصه
۱۹۷	فرق حصول با طلق
۱۹۸	بیان راهحل
۱۹۸	رد همه راهحل‌های چهارگانه
۱۹۹	پاسخ صحیح
۱۹۹	هلیت بسیطه و مرکبه
۱۹۹	وجه تسمیۀ هلیت بسیطه و مرکبه
۲۰۰	تطبیق

درس نهم

فصل هفتم: احکام سلبی وجود

۲۱۰	خلاصه و مقدمه
۲۱۰	حکم اول: وجود، غیر ندارد
۲۱۱	دلیل حکم اول
۲۱۱	حکم دوم: وجود، ثانی ندارد
۲۱۱	فرق ثانی با غیر
۲۱۲	دلیل حکم دوم
۲۱۲	تمهید: اثینیت فرع تمایز
۲۱۲	انواع مابه‌الامتیاز

۱. به تمام ذات ۲۱۲
۲. به بعض ذات ۲۱۲
۳. به خارج از ذات ۲۱۳
- نکته ۲۱۳
- بیان دلیل حکم دوم ۲۱۳
- حکم سوم: و هر عرض نیست ۲۱۴
- تمهید (تقسیم مالیت به جوهر و عرض) ۲۱۴
- دلیل اول (نفی جوهر و عرض) ۲۱۴
- دلیل دوم (نفی عرض) ۲۱۵
- حکم چهارم: وجود، جزء نیست ۲۱۵
- پرسش ۲۱۵
- پاسخ ۲۱۵
- حکم پنجم: وجود، جزء ندارد ۲۱۶
- انواع جزء ۲۱۶
۱. جزء عقلی ۲۱۶
۲. جزء خارجی ۲۱۶
۳. جزء مقداری ۲۱۷
- الف) خط ۲۱۷
- ب) سطح ۲۱۸
- ج) جسم تعلیمی (یا حجم) ۲۱۸
- نفی جزء عقلی ۲۱۹
- تمهید اول: نفی جنس ملازم با نفی فصل ۲۱۹
- تمهید دوم: نسبت فصل به نوع (مقوم) ۲۱۹
- تمهید سوم: نسبت فصل به جنس (مقسم) ۲۲۰

۲۲۰	تمهید چهارم: فصل، محصل جنس نیز هست
۲۲۰	بیان برهان نفی جنس
۲۲۰	رض اول: جنس، وجود باشد
۲۲۱	بیان ملازمه
۲۲۱	نکته اول (فصل، مقومی قوی)
۲۲۱	ماده دوم (نفی مطلق جنس برای وجود)
۲۲۲	رض سوم: جنس، غیر وجود باشد
۲۲۲	جمع بندی نفی جزء علی
۲۲۲	تطبیق

درس دهم

۲۳۱	خلاصه و مقدمه
۲۳۲	نفی جزء خارجی از وجود
۲۳۲	مقدمه اول: اقسام ماده
۲۳۲	۱. ماده اولی
۲۳۲	مثال اول: ماده اولی در جسم
۲۳۲	مثال دوم: ماده اولی در نطفه
۲۳۳	۲. ماده ثانیه
۲۳۳	مثال اول: نبات
۲۳۳	مثال دوم: حیوان
۲۳۳	مثال سوم: انسان
۲۳۳	خلاصه
۲۳۴	مقدمه دوم: ماده و صورت
۲۳۴	نکته اول: تطابق ذهن و خارج
۲۳۵	مثال اول: آهن

فصل هشتم: معنای نفس الامر

٢٤٨ انواع تحقق

۲۴۸	۱. تحقق هستی
۲۴۹	۲. تحقق ماهیت
۲۴۹	۳. تحقق معقولات ثانیه
۲۵۰	۳.۱. الامر؛ جامع همه تحققات
۲۵۰	انواع قضایا
۲۵۱	۳.۲. خارجی و منطقی
۲۵۱	۳.۳. ذهنی مطلق
۲۵۱	۳.۴. موضوع خارجی و محمول ذهنی
۲۵۲	صدق قضایای شبه اول
۲۵۳	صدق قضایای دسته دوم و سوم
۲۵۳	معنای نفس الامر؛ واقع اشیا
۲۵۴	معنای دیگر؛ عالم عقل
۲۵۴	نقد این مدعا
۲۵۵	تطبيق

درس یازدهم

فصل نهم: مساوقت وجود با شئیت

۲۶۲	مقدمه: بداهت مساوقت وجود با شئیت
۲۶۲	شبهه علم الهی
۲۶۲	ثابت بودن معدوم ممکن
۲۶۲	نسبت بین وجود و ثبوت در این راه حل
۲۶۳	نسبت بین عدم و نفی
۲۶۳	خلاصه
۲۶۳	قول به حال (گروهی دیگر از معتزله)
۲۶۵	نقد دیدگاه معتزله

٢٦٥ تطبيق

فصل دهم: تمایز و علیت در عدم نیست

۲۶۹..... ماه (دو یکم سلیبی عدم).....

۲۷۰..... حکم اول: نفی تمایز در اعدام.....

۲۷۰..... تبصره: تمایز در اعدام مضاف.....

۲۷۱..... حکم دوم: نفی تمایز در اعدام.....

۲۷۲..... تنظیر اول.....

۲۷۲..... تنظیر دوم.....

۲۷۳..... تطبیق.....

درس دوازدهم

المعروف: معدود مطلق

خلاصه و مقدمه ۲۷۸

تعریف معدوم مطلق ۲۷۸

حکم معدوم مطلق ۲۷۸

اشکال: اخبار و عدم اخبار از معدوم مطلق ۲۷۹

پاسخ ۲۸۰

تمهید اول: اقسام حمل ۲۸۰

۱. حمل اولی ذاتی، و وجه تسمیه آن ۲۸۱

نکته اول ۲۸۲

نکته دوم ۲۸۲

۲. حمل شایع صناعی و وجه تسمیه آن ۲۸۳

تمهید دوم: شرایط نه گانه تناقض ۲۸۴

دفع تناقض ۲۸۵

پاسخ اجمالی ۲۸۵

۲۸۵	پاسخ تفصیلی
۲۸۸	دفع سه شبهه مشابه
۲۸۸	شبهه کلی بودن جزئی
۲۸۸	پاسخ شبهه
۲۸۹	۲. شبهه عدم امتناع شریک الباری
۲۸۹	حل شبهه
۲۹۰	۱. شبهه ثبوت عینی امر غیرذهنی
۲۹۱	حل شبهه
۲۹۱	تطبیق

درس سیزدهم

فصل سیزدهم: امتناع عاده عین معدوم

۲۹۸	مقدمه
۲۹۹	نکته اول: امکان معدوم شدن
۲۹۹	نکته دوم: معنای عین
۲۹۹	نکته سوم: جواز اعاده مثل معدوم
۳۰۰	تنظیر به انسان
۳۰۱	نکته چهارم: جواز اعاده عین ماهیت معدوم
۳۰۱	نکته پنجم: تقریر محل نزاع
۳۰۲	نکته ششم: انگیزه طرح این بحث
۳۰۲	ادله امتناع
۳۰۳	۱. بداهت
۳۰۳	۲. شیئیت نداشتن امر معدوم
۳۰۴	۳. تخلل عدم
۳۰۴	۴. جواز مماثل

۵. انقلاب یا خُلف ۳۰۵

۶. عدم تناهی عود ۳۰۶

تطبیق ۳۰۶

درس چهاردهم

خلاصه و مقدمه ۳۱۳

ایمل متکلمان ۳۱۴

نقد دبل متکلمان ۳۱۵

شبهه متکلمان ۳۱۶

بررسی شبهه ۳۱۶

تمهید اول: حقیقت ۳۱۷

تمهید دوم: حقیقت بدن ۳۱۷

تمهید سوم: حقیقت انسان ۳۱۷

پاسخ شبهه: حقیقت موت و معاد ۳۱۷

تطبیق ۳۱۹

مرحله دوم: در انقسام وجود به خارجی و منی

فصل اول: وجود ذهنی

قول اول: علم؛ خود ماهیت با وجود ذهنی ۳۲۴

قول دوم: علم؛ شبیح ماهیت با وجود ذهنی ۳۲۵

قول سوم: علم؛ اضافه به ماهیت (نه وجود ذهنی آن) ۳۲۶

علل گرایش به شبیح یا اضافه ۳۲۷

نقد قول به شبیح ۳۲۷

نقد قول به اضافه ۳۲۸

تطبیق ۳۲۸

نکته اول: عدم اطلاق نبات بر انسان ۳۳۰

۳۳۰	نکته دوم: وحدت یا تعدد نفس در انسان
۳۳۱	ادامه تطبیق

درس پانزدهم

۳۳۶	خاتمه و مقدمه
۳۳۷	دلیل نخست
۳۳۷	مقدمه نخست
۳۳۸	مقدمه دوم
۳۳۸	مقدمه سوم
۳۳۸	مقدمه چهارم و نتیجه
۳۳۸	مقدمه تکمیلی
۳۳۹	دلیل دوم
۳۳۹	تمهید
۳۴۰	بیان دلیل
۳۴۰	مقدمه نخست
۳۴۰	مقدمه دوم
۳۴۱	مقدمه سوم و نتیجه
۳۴۱	دلیل سوم
۳۴۱	مقدمه نخست
۳۴۱	مقدمه دوم
۳۴۱	مقدمه سوم
۳۴۳	مقدمه چهارم
۳۴۳	نتیجه
۳۴۳	اشکالات وجود ذهنی
۳۴۳	اشکال اول

۳۴۳	تمهید اول: تقسیم ماهیت به جوهر و عرض
۳۴۴	تمهید دوم: عرض بودن علم
۳۴۴	بیان اشکال
۳۴۵	اشکال دوم
۳۴۵	تمهید: تعریف کیف
۳۴۶	بیان اشکال
۳۴۶	تفاوت این اشکال
۳۴۶	مزیت اشکال دوم بر اشکال نخست
۳۴۷	تطبیق
۳۵۰	نکته: فرق اشاره عقلی با اشاره خارجی
۳۵۳	نکته

درس شانزدهم

۳۵۹	خلاصه و مقدمه
۳۶۰	پاسخ اشکال نخست
۳۶۰	تمهید: عرض عام بودن عرض برای مصادیقش
۳۶۱	بیان پاسخ
۳۶۲	اهمیت و صعوبت اشکال دوم
۳۶۲	تأثیر اشکالات در پذیرش اقوال باطل
۳۶۳	پاسخ نخست (کلام فاضل قوشچی)
۳۶۴	شرح پاسخ از زبان مرحوم حاجی
۳۶۴	اشکال پاسخ نخست
۳۶۵	پاسخ دوم (کلام سید سند صدرالدین شیرازی)
۳۶۷	اشکال پاسخ دوم
۳۶۷	تطبیق

۳۶۸ عرضی عام، نه عرض عام

درس هفدهم

۳۷۹ خلاصه و مقدمه

۳۷۹ پاسخ سوم

۳۷۹ مقدمه نخست

۳۸۰ مقدمه دوم و نتیجه

۳۸۱ جمع بندی پاسخ دهم

۳۸۱ نقد پاسخ سوم

۳۸۲ اشکال نخست

۳۸۲ اشکال دوم

۳۸۲ پاسخ چهارم

۳۸۳ تمهید اول: حمل اولی و شایع

۳۸۳ تمهید دوم: حمل شایع، شرط اندراج

۳۸۳ مثال اول

۳۸۴ مثال دوم

۳۸۴ بیان پاسخ

۳۸۵ تبیین مسئله به زبان اصولی (قطع طریقی و موضوعی)

۳۸۶ تنظیم علم به آئینه

۳۸۷ کیف بودن؛ عرضی حیث مرآت

۳۸۷ تطبیق

درس هجدهم

۳۹۶ خلاصه و مقدمه

۳۹۷ اشکال حاجی به آخوند

۳۹۷ تمهید

۴۲۳	پاسخ اشکال ششم.....
۴۲۳	پاسخ استاد.....
۴۲۵	پاسخ مؤلف.....
۴۲۶	تألیف.....
۴۲۹	توضیح قید جزئیة.....

درس بیستم

۴۳۵	خلاصه ، مقد.....
۴۳۶	اشکال هفتم.....
۴۳۶	بیان ملازمه.....
۴۳۷	پاسخ اشکال هفتم.....
۴۳۹	تطبیق.....

مرحله سوم: وجود فی نفسه (الانسان بغيره) و فی غیره

فصل اول: تقسیم وجود فی نفسه و فی غیره

۴۴۲	وجود فی نفسه.....
۴۴۲	وجود فی غیره.....
۴۴۳	اثبات وجود رابط.....
۴۴۴	اثبات عدم استقلال رابط.....
۴۴۶	تنظیر رابط به حروف.....
۴۴۶	ان قلت.....
۴۴۶	قلت.....
۴۴۷	نتایج بحث (ویزگی یا خواص وجود رابط).....
۴۴۷	۱. ماهیت نداشتن.....
۴۴۸	۲. عامل اتحاد طرفین بودن.....
۴۴۹	۳. مختص هلیات مرکبه بودن.....

درس بیست و یکم

فصل دوم: کیفیت اختلاف رابط و مستقل

درس بیست و دوم

خلاصه و مقدمه ۴۷۲
 وجود فی نفسه و اقسام آن ۴۷۲
 ۱. وجود فی نفسه لنفسه ۴۷۱
 ۲. وجود فی نفسه لغيره ۲۷۳
 مثال نخست: علم ۴۷۴
 مثال دوم: قدرت ۴۷۴

۴۷۵	مثال سوم: سایر اعراض
۴۷۵	مثال چهارم: صور جوهری
۴۷۶	فرق لغوی با نفسه
۴۷۶	تقسیم وجود لنفسه به بنفسه و بغيره
۴۷۷	جایگاه این بحث
۴۷۸	تطبيق

مرحله چهارم: مواد ثلاث

فصل اول: تعریف مواد سه گانه و انحصار آنها در همین سه ماده

۴۸۶	استطرادی بودن بحث از امتناع در فلسفه
۴۸۶	نسبت و ماده
۴۸۷	جهت، قضیه مطلقه و موجهه
۴۸۷	اقسام مواد
۴۸۸	۱. ضرورت
۴۸۸	۲. امکان
۴۸۸	۳. امتناع
۴۸۸	جمع بندی
۴۸۹	انحصار مواد در ثلاث، و نفی قسم چهارم
۴۸۹	بدهت معانی مواد
۴۹۰	تطبيق

درس بیست و سوم

۴۹۳	خلاصه و مقدمه
۴۹۴	لفظی بودن و نه حقیقی بودن تعاریف مواد
۴۹۵	دوری بودن تعریف حقیقی مواد
۴۹۵	عدم جواز دور در تعاریف حقیقی

تطبيق ۴۹۶

فصل دوم: انقسام هریک از مواد به بالذات، بالغير و بالقياس

نه فرض و هشت تحقق (استحالة امکان بالغير) ۴۹۸

معنای بالذات ۴۹۹

معنای بالغير ۴۹۹

معنای بالقياس ۴۹۹

واجب بالذات ۵۰۰

واجب بالغير ۵۰۰

واجب بالقياس ۵۰۱

ممتنع بالذات ۵۰۲

ممتنع بالغير ۵۰۲

ممتنع بالقياس ۵۰۲

ممکن بالذات ۵۰۳

ممکن بالقياس ۵۰۳

ممکن بالغير و علت استحالة آن ۵۰۳

اشكال ۵۰۵

پاسخ ۵۰۵

تطبيق ۵۰۵

درس بیست و چهارم

فصل سوم: واجب ماهیت ندارد

مقدمه (جایگاه بحث از واجب) ۵۱۴

ماهیت واجب، همان وجود اوست ۵۱۴

دو معنای ماهیت ۵۱۴

۱. مقابل وجود ۵۱۴

۵۱۵	۲. حقیقت شیء
۵۱۵	معنای ماهیت در مسئله
۵۱۵	استدلال بر مدعا
۵۱۷	غیرماهوی بودن مفهوم واجب الوجود
۵۱۸	نقد استاد و رویکرد اسفار به این استدلال
۵۱۸	ترغیب بطلان استدلال بر مبنای اصالت وجود
۵۲۰	تقطن نهید به بطلان این استدلال
۵۲۰	تطبیق

فصل چهارم: واجب بودن واجب تعالی، از همه جهات

۵۲۵	استدلال
۵۲۶	اقسام امکان
۵۲۶	۱. امکان خاص
۵۲۷	۲. امکان عام
۵۲۷	تطبیق

فصل پنجم: شیء تا واجب نشود به چه چیزی آید

۵۲۹	مقدمه
۵۳۰	متکلمان و نظریه اولویت
۵۳۰	فلاسفه و نظریه وجوب
۵۳۱	اقسام اولویت
۵۳۱	۱. اولویت ذاتی و غیر ذاتی
۵۳۱	۲. اولویت کافی و غیر کافی
۵۳۲	تطبیق

درس بیست و پنجم

۵۳۶	خلاصه و مقدمه (اولویت یا وجوب)
-----	--------------------------------

۵۳۶.....تنظیر به وجوب و استحباب در شرع

۵۳۷.....ابطال اولویت

۵۳۷.....ابطال اولویت ذاتی

۵۳۷.....ابطال اولویت غیر ذاتی

۵۳۹.....یرش نظریه وجوب

۵۳۹.....خاتمه

۵۴۰.....ضرورت به شدت محمول

۵۴۱.....همراهی هر ممکن، دو و توب

۵۴۱.....تطبيق

فصل هشتم: معانی امکان

۱. امکان خاص یا خاصی ۵۴۸

۲. امکان عام یا عامی ۵۴۸

الف) امکان عام در قضیهٔ موجبه ۵۴۸

ب) امکان عام در قضیهٔ سالبه ۵۴۹

ج) خلاصه و وجه تسمیه ۵۵۰

۳. امکان اخص ۵۵۰

تمهید: اقسام ضروریه ۵۵۰

۱. ضروریۀ مطلقه یا ضروریۀ ازلیه ۵۵۱

۲. ضروریۀ ذاتیه ۵۵۱

۳. مشروطۀ عامه ۵۵۱

۴. وقتیۀ مطلقه ۵۵۱

بیان معنای امکان اخص ۵۵۲

عدم تنافی بین امکان و ضرورت خارجی ۵۵۲

تطبیق ۵۵۳

درس بیست و هشتم

۵۵۸	خلاصه و مقدمه
۵۵۹	۴. امکان استقبالی
۵۶۰	حالت؛ شرط امکان استقبالی
۵۶۱	۵. امکان وقوعی
۵۶۲	مقایسه امکان وقوعی با امکان عام
۵۶۳	۶. امکان استعدادی
۵۶۳	تفاوت استعداد با امکان استعدادی
۵۶۴	تفاوت اصلی امکان استعدادی با امکان ذاتی
۵۶۵	تفاوت فرعی اول
۵۶۵	تفاوت فرعی دوم
۵۶۶	تفاوت فرعی سوم
۵۶۶	ماده بالمعنی الاخص
۵۶۶	ماده بالمعنی الاعم
۵۶۷	محل امکان استعدادی
۵۶۷	فرق امکان استعدادی با امکان وقوعی
۵۶۷	تطبیق

درس بیست و نهم

فصل هفتم: امکان اعتبار عقلی و لازم ماهیت است

۵۷۶	مقدمه
۵۷۶	اعتباری بودن امکان
۵۷۷	سازگاری اعتبار عقلی با وجود و عدم خارجی
۵۷۸	چگونگی وجود ماهیت
۵۷۹	لازم ماهیت بودن امکان

٥٧٩..... ارجاع سلب به ثبوت

٥٨٠..... تطبيق

فصل هشتم: در حاجت ممکن به علت و علت آن

۵۸۵		مقدمه
۵۸۶		احتیاج ممکن به علت
۵۸۶		یا آوری و یا الاجا بقی
۵۸۶		۱. بدیهی اول
۵۸۷		۲. بدیهی ثانوی
۵۸۷		بیان بدیهی بودن امر ممکن
۵۸۸		علت احتیاج نزد فیلسو
۵۸۸		علت احتیاج نزد متکلم
۵۸۹		دلیل اول قول حکما
۵۹۰		تطبیق

درس بیست و هشتم

خلاصه و مقدمه ۵۹۴

دلیل دوم قول حکما ۵۹۴

۱. اثبات علیت امکان برای نیازمندی به علت ۵۹۴

۲. نفی علیت حدوث برای نیازمندی به علت ۵۹۶

تمهید: مقتضی، شرط و عدم مانع ۹۶

احتمالات پنج گانه ۵۹۶

لوازم احتمالات (نفی علیت حدوث) ۵۹۷

۳. نفی علیت امر دیگر ۵۹۸

استدلال متکلم ۵۹۹

رد اول ۵۹۹

رد دوم.....	۶۰۰
تقریر مجدد اشکال متکلم.....	۶۰۱
دفع اشکال.....	۶۰۲
تجیین.....	۶۰۲

درس بیست و نهم

مسئله نهم: ممکن در حدوث و بقا نیازمند علت است

خلاصه و مقدمه.....	۶۱۰
نیاز ممکن به علت در حدوث و بقا.....	۶۱۱
تفکیک این بحث از بحث سالی.....	۶۱۱
دلیل اولِ نیازمندی در بقا.....	۶۱۲
دلیل دومِ نیازمندی در بقا.....	۶۱۳
دلیل نیازمندی فقط در حدوث.....	۶۱۴
نقد دلیل.....	۶۱۴
مثال بنا و بنا.....	۶۱۴
مثال والدین و فرزندان.....	۶۱۵
مثال زارع و مزرع.....	۶۱۶
جمع بندی.....	۶۱۶
خاتمه.....	۶۱۷
یادآوری: مواد ثلاث.....	۶۱۷
نفی امتناع در خارج.....	۶۱۷
وجود وجوب و امکان در خارج.....	۶۱۸
نحوه وجود وجوب و امکان در خارج.....	۶۱۹
توضیحی درباره معقولات سه گانه.....	۶۱۹
معقول اولی.....	۶۱۹

- ## درس سی ام

- نقد اول: در فرض جهت بودن وجوب و امکان ۶۲۵
- نقد دوم: در فرض محمول بودن وجوب و امکان ۶۲۶
- حاصل سخن ۶۲۷
- تطبيق ۶۲۷
- نمايه ها ۶۳۵

مقدمه معاون پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جردانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و عالمان صادق و جان‌ساز که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان چه توطئه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن ساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین رفتنی و نگونسار. این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، و مدار کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصه نظر و عمل کمر همت بر کم بسته و از دام و دانه دنیا رسته‌اند، و در این میان نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشینان برحق و گرامی او علیه السلام، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهر سیرت از عمل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیرت آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت

حقیقت خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به ویژه عالمان دین، بس
عظیم تر و سخت دشوارتر است.

محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، تقریر بخشی از درس‌های *بدایة الحکمة* حضرت آیت‌الله زمرضا فیاضی «دامت برکاته» است که با تلاش پژوهشگر ارجمند، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جمال سروش تدوین و نگارش یافته است. هدف اصلی کتاب ارائه شرحی گویا بر این فراگیری کتاب *بدایة الحکمة* است. معاونت پژوهش، از معظم‌له و آقای دکتر حسن سبحانی که با نظارت علمی بر کار مجری طرح، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، سپاسگاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان و نیز پژوهشگر محترم را از خداوند متعال خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسس، آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

مقدمه

الحمد لله رب الدین صلی الله علی محمد وآله الطاهرين ولعنة الله علی اعدائهم
اجمعین من الآن الی قیام يوم الدين

سیر فلسفه در غرب و شرق

فلسفه یا هستی‌شناسی از نظر ثبوتی و تحویلی و فرینش بشر همزاد بوده است؛ اما از نظر تدوین به پنج قرن قبل از میلاد بازمی‌گردد؛ زمانی که سوفسطایی‌ها برای رسیدن به اهداف خود مغالطه می‌کردند و حق را باطل و باطل را حق جلوه می‌دادند. آنان مدعی بودند حق و باطلی درکار نیست و اساساً انسان معیار همه چیز است. به تعبیر دیگر، واقعیتهای وجود ندارد؛ و اگر وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست؛ و اگر قابل شناخت باشد، قابل شناساندن نیست. سقراط با استفاده درست منطقی در مقابل این تفکر ایستاد و مغالطه و انحراف سوفسطاییان را نشان داد. بعد از سقراط، شاگردش افلاطون که سال‌ها از درس‌های وی استفاده کرده بود، به تحکیم مبانی فلسفه همت گماشت، و سپس شاگرد وی ارسطو، فلسفه را به اوج شکوفایی رساند و قواعد تفکر و استدلال را در قالب علم منطق تدوین کرد؛ چنان‌که لغزشگاه‌های اندیشه را در بخش مغالطه به رشته تحریر درآورد.^۱

۱. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ص ۳۱.

در این میان، اما سه شخصیت توانستند فلسفه مشاء را احیا و کامل کنند: ابن رشد، شیخ اشراق و محقق طوسی.

ابن رشد اندلسی (۱۱۲۶-۱۱۹۸م) با نوشتن کتاب *تهافت التهافت* از فلسفه ارسطویی دفاع کرد. وی در این کتاب به غزالی و ابن سینا ایراد می‌گیرد که فلسفه ارسطو را ناقص فهمیده‌اند. فلسفه در غرب عمدتاً از طریق ابن رشد گسترش یافت، و سده‌های میانی سپری کرد و به رنسانس و مدرنیسم و پست‌مدرنیسم رسید. اگر بخواهیم سادگشت فلسفه غرب را در عبارتی مختصر بیان کنیم باید بگوییم: در طول تاریخ فلسفه غرب، جرقه‌های روشنگری در عقل‌ها و دل‌ها درخشیده، ولی بر اثر پراکندگی نتوانسته‌اند خط مستقیم پایداری را در سپهر فلسفی آن سامان رسم کنند، برخلاف فلسفه اسلام که هیچ‌گاه از مسیر اصلی‌اش منحرف نشده و اختلاف گرایش‌های فرعی، بر غنا و بسج ان افزوده است.

شیخ اشراق (۵۴۹-۵۸۷ ق) نیز پس از ابن رشد تکمیل‌کننده فلسفه مشاء را بر عهده گرفت؛ چراکه عناصر بسیاری از تفکر مشاء را پذیرفت و نهایتاً افزون بر بحث و برهان، ذوق و تأله را نیز به نحوی وارد فلسفه کرد. وی می‌گوید کسی که خالی از تأله و ذوق باشد شایسته نام حکیم نیست.

خواجه نصیرالدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲ ق) هم مانند شیخ اشراق به احیا و تکمیل فلسفه مشاء همت گماشت. او آرای سه منتقد فلسفه مشاء را بررسی می‌کند: غزالی، فخر و شهرستانی. وی گرچه ردیه مستقلی به نام مقابله با غزالی نوشت، اما سبب و سلوک او تقریباً ردیه‌ای بر *تهافت الفلاسفه* است بی‌آنکه اصلاً اسمی از غزالی برده باشد. چه بسا شایسته نمی‌دیده که بیش از این به *تهافت الفلاسفه* بپردازد. اما برای نقد فخر (که نزد خواجه نقدهای او بر فلسفه مشاء از همه مهم‌تر بوده)، شرح جامعی بر اشارات نوشت و اشکالات فخر را در آن پاسخ داد؛ همان‌طور که کتاب کلامی فخر به نام *المحصل* را تحت عنوان *نقد یا تلخیص المحصل* نقد کرد و به کسانی که مسحور

علامه، در حوزه علمیه قم به جای اشتغال به فقه و اصول، حلقه درس تفسیر قرآن و فلسفه برقرار کرد. این کار او موجب رونق دانش تفسیر در حوزه قم شد. روش سیری او تفسیر قرآن به قرآن بود. در دوران تعطیلی درس فلسفه، با برپا شدن جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالیه را ادامه داد. بسیاری از مدرسان بعدی فلسفه در حوزه علمیه قم شاگردان او بودند.

شاگردان علامه، چون مطهری، جوادی آملی، مصباح یزدی و بهشتی را می توان از مؤثرترین و معروف ترین روحانیان شیعه در ایران در چهار دهه پایانی قرن ۱۴ دانست، و نشست های علمی او با هانری کربن، فیلسوف و شیعه شناس فرانسوی، زمینه ساز معرفی تشیع به اروپا شد.

درباره شخصیت علامه کتاب های متعددی منتشر، و برای معرفی اندیشه های او چندین همایش برگزار شده است. یک مجموعه مستند تلویزیونی با نام حدیث سرو نیز با هدف شناساندن شخصیت او ساخته شده است. در تهران یک دانشگاه به نام او نامگذاری شده است. شهید علی قدوسی، امام او است.

در باب عظمت علمی و اخلاقی و معنوی و کشف و کرامات علامه سخن بسیار است، لیکن در اینجا به چند نکته کمتر شنیده شده بسنده می شود:

- اکثر متولیان و دست اندرکاران سطوح بالای جمهوری اسلامی، به خصوص عظیمی در شکل گیری و به ثمر رسیدن انقلاب داشته و پست های کلیدی را به دست گرفته و بعضی از آنها تا مرز شهادت پیش رفته اند از شاگردان مکتب وی هستند که از جمله می توان به شهید بهشتی، شهید مطهری، شهید مفتاح و نیز به حضرت آیت الله حسن زاده و حضرت آیت الله مصباح یزدی و حضرت آیت الله جوادی آملی اشاره کرد.

- حضرت آیت الله مصباح یزدی در بخشی از مقدمه تعلیق خود بر نهایه الحکمه

آورده اند:

- حضرت آیت‌الله جوادی آملی می‌فرمایند کتاب سیره نبوی را ما در سیره و زندگی مرحوم علامه دیدیم.

- مل شده است که دو ویژگی، شهید بهشتی را شیفته علامه می‌کند؛ به گونه‌ای که حدود بیست سال، شاگردی در محضر علامه را ادامه می‌دهد: یک بار، شاید اولین بار، وقتی در محضرش صحبت می‌کند علامه کاملاً گوش می‌کند. وقتی حرف شهید بهشتی کاملاً تمام می‌شود علامه آغاز به سخن می‌کرده و می‌گوید هر گاه در لابه‌لای سخنانش وارد می‌شدم باز سکوت می‌کرد تا من سخنم تمام شود. نکته دیگر اینکه تَنْ صدای من که بلا می‌رفت تَنْ صدای او بالاتر نمی‌رفت!

- یکی از استادان می‌گوید: دانشجویی، در چند کاغذ، نقدهایی بر المیزان نوشته بود و به همراه من رفتیم در منزل علامه. علامه خودش آمد در را باز کرد و من دانشجو را معرفی کردم و گفتم نقدهایی به المیزان نوشته است. علامه استقبال کرد و شروع کرد به تعریف کردن! به این بیان که خیلی کار خوبی می‌کنید که اشکالات این کتاب اصلاح می‌شود. وقتی آن دانشجو با این برخورد مواجه شد، همان‌جا به علامه گفت: «لطفاً این کاغذها را بدهید»، و بعد پیش روی علامه کاغذها را پاره کرد و گفت من اشکالی به المیزان ندارم!

مختصری از حیات علمی استاد فیاضی

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا فیاضی، به سال ۱۳۲۸ در قم و در میان خانواده‌ای متدین و دوست‌دار روحانیت و علمای شیعه به دنیا آمد. پدرش، مرحوم حاج‌اسدالله، بنا بود و از این راه روزگار می‌گذراند. استاد پس از اینکه قرآن و بخشی از دروس فارسی را نزد مادر خود و مکتب‌خانه فرا گرفت، همراه پدر به حرفه بنایی ساختمان مشغول شد. در یکی از روزها که برای تعمیر ساختمان با پدر خود به منزل روحانی جلیل‌القدری رفته بود، مورد عنایت آن روحانی قرار گرفت و با

عنایت وی و رخصت پدر، به اشتغال در حوزه علمیه قم رو آورد. پس از طی مقدمات، به دروس سطح در نزد استادان مشهور آن روزگار راه یافت و سپس به درس خارج فقه و اصول استادان برجسته حوزه علمیه قم رفت و سالها از محضر آنان بهره برد. او همزمان با تحصیل فقه و اصول، علوم عقلی را هم نزد استادان خبره فرا گرفت، به گونه ای که بعدها خود به تدریس آن دروس رو آورد و درس او در رتبه برترین دروس حوزه در علوم عقلی به شمار رفت. حجت الاسلام والمسلمین فاضل در سالهای تحصیل خود به محضر استادان برجسته بسیاری شرفیاب شد. او *شرح القواعد* را نزد مرحوم شیخ محمدحسن قاضی زاده که مشوق اصلی وی برای رو آوردن به تحصیل در حوزه بود، فرا گرفت. سیوطی را نزد حجت الاسلام والمسلمین باکوبی، امام جمعه فریدن کنار و مغنی را هم نزد او و نیز در محضر آیت الله شیخ حسن تهرانی و آقای جلیلی آموخت. حاشیه را نزد حجت الاسلام والمسلمین باکوبی و مختصر را نزد آیت الله سید ابوالقاسم و معالم را نزد حجت الاسلام والمسلمین فاضل هرنندی خواند. سپس برای آموختن لمعه در درس آقای سید ابوالفضل موسوی تبریزی و آقای تقدیری حاضر شد. استادان او در رسائل آیت الله العظمی نوری همدانی و آیت الله مؤمن، در مکاسب آیت الله شیخ علی پناهی، در تفسیر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و در کفایه آیت الله العظمی نوری همدانی و آیت الله العظمی فاضل لنکرانی بودند. وی از سال ۵۱ به مدت چهارده سال در دروس خارج حضرات استادان پیاپیگانی، اراکی، حائری، شاه آبادی، شیخ کاظم تبریزی، شیخ جواد تبریزی و وحید سراسانی شرکت کرد. او در بخش علوم عقلی، شرح منظومه سبزواری را نزد آیت الله گرازی، بدایه را نزد آیت الله جوادی آملی، نهایه را نزد آیت الله مصباح یزدی و اسفار را نزد آیت الله جوادی آملی فرا گرفت. همچنین در عرفان، تمهید القواعد و شرح فصوص الحکم را نزد آیت الله جوادی آملی آموخت. استاد فیاضی در سالهای متمادی و از سالهای آغازین تحصیل به امر تدریس اهتمام ویژه ای داشت. او دروس مختلف دوره

مقدمات و سطح را بارها تدریس کرده و سپس به تدریس بدایه، نهاییه و شرح اشارات رو آورده است و هم اکنون نیز به تدریس اسفار اشتغال دارد. تبیین زیبا و استوار علوم عقلی و ویژگی‌های اوست و دروس و حتی نوارهای تدریس او همواره مورد استفاده طلاب بوده است. از استاد فیاضی تعلیقه‌ای بر نهاییه الحکمه چاپ شده است. او از اعضای جامعه مدرسین است و هم‌اکنون در قم ضمن اشتغال به تدریس، به پژوهش در مؤسسه آموزشی امام خمینی^ع می‌پردازد.

برخی آثار معظم^ه

کتاب

۱. هستی و چیستی در مکتب صدایی، تحقیق و نگارش: حسینعلی شیدانشید، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۲. تصحیح المنطق، تألیف محمدرضا مظفر، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۳. درآمدی بر معرفت‌شناسی، تدوین و نگارش احمدحسین شریفی، مرتضی رضایی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع، ۱۳۸۱.
۴. پاورقی بر منطق، تألیف محمدرضا مظفر، ترجمه علی شیروانی، اراک‌العلم، ۱۳۷۳.
۵. تصحیح نهاییه الحکمه، تألیف علامه طباطبائی، مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۴.
۶. طالع ماهیات در آسمان هستی: اصالت ماهیت در عین اصالت وجود، تحقیق و نگارش: حسینعلی شیدانشید، تکثیر در شمار محدود.
۷. تعلیقه علی نهاییه الحکمه (در چهار جلد)، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع، ۱۳۷۸-۱۳۸۲.
۸. علم النفس فلسفی، تدوین و نگارش محمدتقی یوسفی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع، ۱۳۸۹.

مقالات

- برخی مسئولیت‌ها معطوف

سیر مطالعاتی فلسفه اسلامی

پرسشی که برای اکثر علاقه‌مندان به فلسفه اسلامی مطرح می‌شود این است که ما فلسفه اسلامی را چگونه و از کجا آغاز کنیم و چه کتاب‌هایی را درس بگیریم یا مطالعه کنیم؟ پاسخ‌های مختلفی به این پرسش داده شده است؛ اما به نظر نگارنده با بضاعت‌های کمی که در این رشته داشته‌ام برای علاقه‌مندان به فلسفه اسلامی و بلکه معارف اسلامی (حداقل به عنوان یک آشنایی) سه درک دقیق معارف اسلامی و شیعی نیز چاره‌ای جز فراگیری فلسفه اسلامی نیست) سه درک منطقی فراگیری معارف اسلامی، که فلسفه نیز بخشی از آن است، به طور کلی و موضوعی باید این گونه باشد: الف) فراگیری زبان عربی؛ ب) منطق؛ ج) معرفت‌شناسی؛ د) فلسفه اسلامی و به‌ویژه الهیات بالمعنی الاخص که متضمن شناخت خدا و اسما و صفات اوست؛ ه) انسان‌شناسی؛ و) راه یا وحی یا قرآن‌شناسی؛ ز) راهنما یا نبی و امام‌شناسی؛ ح) شناخت

ولایت فقیه؛ ط) فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق و فلسفه سیاست. سیر مزبور تقریباً همان است که حدود بیست سال در دوره‌های طرح ولایت به همت حضرت علامه مصباح و برخی شاگردانشان در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^ع برگزار می‌شود. اما در خصوص فلسفه اسلامی دو دیدگاه عمده وجود دارد. برخی معتقدند همان‌طور که فلسفه اسلامی ابتدا مشائی بود و سپس اشراقی و نهایتاً صدرایی شد، برای فراگیران نیز همین مسیر باید طی شود و مهم‌ترین کتب فلسفی ابن‌سینا، شیخ اشراق و ملاصدرا به ترتیب باید خوانده شود. تلقی دیگر اما، که درست‌تر به نظر می‌رسد، این است که فلسفه صدرایی با توجه به تعیش نسبت به فلسفه‌های مشاء و اشراق، و حتی کلام و عرفان، کافی است، و از این مسیر در این مسیر فرصت و زحمت زیادی صرف مکاتب مشاء و اشراق شود، مگر اینکه هدف خاصی (مانند لزوم تخصص در آن رشته‌ها) چنین سیری را اقتضا کند. بنابراین یک برنامه برای فراگیری حکمت متعالیه کافی است. اما کتاب شاخص حکمت متعالیه، اسفار اربعه است که بدین مقدمه نمی‌توان وارد آن شد و خود نیازمند تمهیداتی است. بدین منظور این گونه می‌شود سیر مطالعاتی و درسی کرد و به حکمت متعالیه صدرایی دست یافت: الف) آشنایی با علامه اسلامی شهید مطهری (بخش‌های منطق، کلام و فلسفه؛ ب) کتاب آموزش عقاید و آموزش فلسفه علامه مصباح؛ ج) کتاب *بداية الحکمة*؛ د) کتاب *نهاية الحکمة*؛ ه) کتاب *اسفار اربعه*. ناگفته نماند که اولاً این سیر یک سیر اجمالی و کلی است و ثانیاً هدف و توانایی فرد نیز سیر مذکور را لحاظ کمی و کیفی تغییر می‌دهد. مثلاً فردی که می‌خواهد استاد و متخصص این فن شود با فرد دیگری که صرفاً می‌خواهد با فلسفه اسلامی آشنا باشد و از آن برای تعمیق باورهایش بهره گیرد، جزئیات سیرشان بسیار متفاوت خواهد بود.

کتاب *بداية الحکمة*

بداية الحکمة کتابی است موجز و هم‌سنگ با شرح منظومه در حکمت صدرایی، که علامه

